

## صفای سینه !

صفای سینه گر خواهی به کوی عاشقان رو کن !  
در آن گلشن مشام جان ز بوی عشق خوشبو کن !

بجز «او» می پرستان کعبه دیگر نمی جویند  
تو هم گر می پرستی، از صفای دل بدو رو کن !

رحیقی نیست دیگر در سبو، میخانه را بستند !  
اگر مستی همی جوئی، نظر بر نرگس «او» کن !

به جنگ عشق رفتن جرأت و تدبیر می خواهد  
بترس از زلف پیچانش، حذر از چشم جادو کن !

نمازت بی حضور ذهن کی ماء جور می باشد !  
اگر خواهی قبول افتد نظر بر طاق ابرو کن !

پریشانی ز حد بگذشت گر جمعیتی خواهی !  
برون آی از خود خود، خانه در آن حلقه مو کن !

می باقی اگر جوئی در این دنیا توانی یافت !  
خطا گفتند آن را جستجو در باغ مینو کن !

نیازت بود اگر روزی ز دام دل رهاگردی  
به بام عشق پران شوز سوز سینه یاهو کن !